به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

آیه‌های دخترونه

عاشقانه‌های خدا برای من

«اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنی مِنْ ظُلُماتِ الْوَهْمِ وَ اَکْرِمْنِی بِنُورِ الْفَهْمِ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَیْنا اَبْوابَ رَحْمَتِکَ وَ انْشُرْ عَلَیْنا خَزائِنَ عُلُومِکَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.»

(خدایا، مرا از تاریکی‌های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی‌ام بدار. خدایا، درهای رحمتت را به روی ما بگشا و خزانه‌های علومت را برایمان باز کن، به مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترینِ مهربانان!)

تقدیم‌به

ارواح قدسیِ ائمـهٔ معصـومین(علیهم‌السلام)، به‌ویژه مولا و مقتدای زمان، حضـرت بقیة‌الله‌الاعظم(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)؛ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل‌بیت و زائران آستان ملکوتیِ امام‌علی‌بن‌موسی‌الرضا(علیه‌السلام)!

و تقدیم به همهٔ دختران ایران‌زمین!

سرشناسه: آقانوری، نعیمه، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور: آیه‌های دخترونه : عاشقانه‌های خدا برای من/نویسنده نعیمه آقانوری ؛ ویراستار وجیهه رمضانی ؛ ارزیاب علمی سیدمحمود مرویان‌حسینی ؛ تهیه و تولید اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۶۴ص.: مصور(رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۲۵۵-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
عنوان دیگر: عاشقانه‌های خدا برای من.
موضوع: دختران در قرآن
موضوع: *Girls in the Qur'an
موضوع: زنان در اسلام -- ادبیات کودکان و نوجوانان
موضوع: Women in Islam -- Juvenile literature
شناسه افزوده: مرویان حسینی، سیدمحمود، ۱۳۴۴ -
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات اسلامی
شناسه افزوده: Astan Qods Razavi. The Islamic Propagation Department
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی
رده بندی کنگره: BP۱۰۴
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۲۲۷۳







آیه‌های دخترونه عاشقانه‌های خدا برای من

نویسنده: نعیمه آقانوری
تهیه و تولید: ادارهٔ تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی
ویراستار: وجیهه رمضانی
ارزیاب علمی: حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمود مرویان حسینی
صفحه‌آرا: استودیو بارمان
ناشر: زائر رضوی
چاپخانه: مؤسسهٔ فرهنگی قدس
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹
شمارگان: ۱۰۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۲۵۵-۵
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال (غیرقابل‌فروش)
نشانی: مشهد، حرم مطهر رضوی، صحن جامع رضوی، بین باب‌الهادی(علیه‌السلام) و صحن غدیر، مدیریت فرهنگی.
صندوق پستی:۳۵۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷
سامانهٔ پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادها: ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲

می‌خوانیم:



سخن ناشر

گاهی میان مشغله‌های زندگی، بین فرازونشیب‌هایش، همه‌چیز یادمان می‌ماند، الّا قلب و روح خودمان. یادمان می‌رود کسی هست که همه‌زمان و همه‌جا، مهربانانه نگاهمان می‌کند و می‌تواند دستمان را بگیرد. یادمان می‌رود هوایمان را دارد. ماه پربرکت رمضان، ماه بندگی و طاعت است و روزه‌داری یک یادآوری ساده است برای خواندن قرآن و حرف‌های خدا برای بندگانش.

کتاب پیش رو، فرصتی فراهم خواهد کرد تا همه، به‌خصوص دختران، نگاهی عمیق‌تر و متفاوت‌تر به قسمتی از حرف‌های خالق مهربان خود داشته باشند.

آیات دخترونه هدیه‌ای قرآنی است از حرم امام‌رضا علیه‌السلام به بانوان مسلمان؛ آن‌ها که دوست دارند قرآن را نه‌تنها با زبان که با قلب بخوانند و حرف‌های عاشقانهٔ خدا را با قلب بشنوند.

معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی مفتخر است این اثر را در جهت نشر معارف دینی در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

و من الله توفیق



زن یا مرد
نظر خدا چیه؟

ملاک برتری فقط یه چیزه!

می‌گفت:

شاید وقتی گِل آدم‌ها داشت دونه‌دونه آماده می‌شد،
شاید وقتی به گِل‌ها، روح خدایی می‌دمیدن،
اون لحظه برای همه‌مون سؤال بود:
ما کدوممون برای خدا عزیزتریم؟
خدا کدوممون رو بیشتر دوست داره؟
شاید همون وقت بود که خدا گفت:
«من شما رو مرد و زن می‌آفرینم توی شهر و قبیله‌های مختلف، برای اینکه همدیگه رو بشناسین.»[1]
اما ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقاكُمْ﴾[2]
بعضی وقت‌ها که داری فکر می‌کنی چه‌کار کنی که پیش خدا عزیزتر بشی، سراغ شیشهٔ قلبت برو و گردوغبار رو ازش بگیر.
آخه خدا خودش گفته:
«زن و مرد برام فرقی نداره. من باتقواها رو بیشتر دوست دارم... .»[3]

۱. نک: حجرات، ۱۳.
۲. حجرات، ۱۳.
۳. نک: حجرات، ۱۳.

خب هرکی ویژگی خودش رو داره!

گاهی اوقات،
توی ذهنت تصمیم می‌گیری فلان کار رو انجام بدی
و فکر می‌کنی این همون کاریه که باهاش به آرامش می‌رسی؛
اما خیلی وقت‌ها کارها طوری که می‌خوایم، پیش نمی‌ره
و حتی برعکسِ چیزی که توی ذهنمون بود، اتفاق می‌افته.
توی این وضعیت،
اون‌هایی که به حکمت و مهربونی خدا دل سپردن،
می‌دونن همین اتفاق خاص، می‌تونه لحظه‌های شیرین‌تری همراه بیاره.
همسر عمران علیها السلام نیت کرده بود پسری داشته باشه تا یار دین باشه.
خدای مهربون، مریم علیها السلام رو بهش داد.

همسر عمران با قلبی پرامید گفت:
«البته که دختر و پسر مثل هم نیستن و هرکدوم ویژگی‌های خوب خودشون رو دارن.»[۱]
ناامید نشد.
بی‌تابی نکرد.

خدا توی *قرآن* دربارهٔ مریم علیها السلام جملهٔ قشنگی گفت:
﴿وَ أَنْبَتَها نَباتًا حَسَنًا﴾[۲]
یعنی مریم خوب پرورش پیدا کرد.
انگار که گلی زیبا، توی باغ رشد کُنه!

۱. نک: آل‌عمران، ۳۶.
۲. آل‌عمران، ۳۷.

بعضی حکم‌ها زنونه مردونه نداره!

چرا توی دین ما، همهٔ حکم‌ها واسه خانم‌هاست؟
چرا خدا به آقایون هیچی نگفته؟
چرا مردها نباید مراقب رفتار خودشون باشن؟
سر کلاس این حرف‌ها رو می‌گفت که خانم سیادت از راه رسیـــد و با لبخند این آیه رو زمزمه کرد:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ...﴾[1]

توی قرآن بعضی از ویژگی‌ها و حکم‌ها، هم برای آقایونه، هم برای خانم‌ها.

برای همین نمی‌شه بگیم خدا فقط برای خانم‌ها حکم داده.

آقایون مسلمون، خانم‌های مسلمون؛
آقایون مؤمن، خانم‌های مؤمن؛
آقایون اهل طاعت، خانم‌های اهل طاعت؛
آقایون راست‌گو، خانم‌های راست‌گو؛
آقایون پاک و عفیف، خانم‌های پاک و باحیا؛
پاداش بزرگی پیش خدا دارن.

خدا توی این آیه، پنج بار گفته «آقایون»، پنج بار گفته «خانم‌ها».
دَه تا صفت بزرگ،
این یعنی دستورهای خدایی، مرد و زن نمی‌شناسه.
قانون‌های اصلی و مهم دین، برای همه است.
فقط جزئیاتشه که باهم فرق می‌کنه.

---
۱. احزاب، ۳۵.

ویژگی‌های ما آینده‌مون رو می‌سازه!

توی زندگی، تجربهٔ بعضی دوستی‌ها لذت‌بخشه.
یه تجربه شاید شبیه چشیدن میوهٔ شیرینی باشه که دیر یا زود تلخی‌ش رو حس می‌کنی.



دوستی‌های ناپاک که رنگ خدایی ندارن،
می‌تونن آیندهٔ ما رو هم‌رنگ خودش بکنن.
فرقی نداره دختری یا پسر، این قانون مشترکه.
خدای مهربون توی *قرآن* گفته:
﴿وَ الطَّيِّباتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّباتِ﴾[1]
(و زنان پاک از آنِ مردان پاک و مردان پاک از آنِ زنان پاک‌اند.)





یعنی اگه می‌خوای همسر پاک و باخدا نصیبت بشه،
باید اول قلب خودت رو پاک نگه داری؛
چون قلب پاک، برای ازدواج هم، معیارهای خدایی رو در نظر می‌گیره؛
چون قلب پاک، از خدا همسر پاک می‌خواد.
همسری می‌خواد که دلش ساده به‌سمت هواوهوس نره.

---

۱. نور، ۲۶.

اصلاً خدا حواسش
به ما دخترها هم
هست؟

مثلاً وقتی تازه به دنیا اومدیم

اینکه یه نفر دوستت داشته باشه و هوات رو داشته باشه، خیلی قشنگه؛
اما اون لحظه‌ای قشنگ‌تره که وقتی هیچ‌کس به فکر تو نیست
و حتی همه دنبال اذیت‌کردن تو هستن،
یکی هوات رو داشته باشه.
حالا فکر کن اون یه نفر، از همه بزرگ‌تر و برتر باشه!

آره، حتی فکرکردن به این موضوع هم، حال آدم رو خوب می‌کنه.

توی زمان خیلی قدیم،
اگه کسی دختردار می‌شد،
صورتش از ناراحتی و خشم کبود می‌شد!
خدا توی همون زمان، به همهٔ مردم می‌گه:
«اون‌ها دربارهٔ دخترها، بد قضاوت می‌کردن!»

بعد توی یه سورهٔ دیگه می‌گه:
«ما به هرکس‌که بخوایم، دختر یا پسر می‌دیم.»
یه حرف درِگوشی بهت بگم: «دختر» رو زودتر می‌گه!

﴿یَهَبُ لِمَنْ یَشاءُ إِناثًا وَ یَهَبُ لِمَنْ یَشاءُ الذُّکُورَ﴾[1]
(به هرکس اراده کنه، دختر می‌بخشه و به هرکس بخواد، پسر.)

آره، خدا هوای ما دخترها رو داشت،
اون‌هم وقتی هواداری از دخترها مُد نبود!

۱. شوری، ۴۹.

یا مثلاً دخترهای یتیم یا اصلاً همهٔ خانم‌ها

وقتی کسی رو واقعاً دوست داشته باشی،
نه‌تنها خودت هواش رو داری،
بلکه اجازه نمی‌دی کسی ناراحتش کنه یا حقش رو ضایع کنه.
اگه ببینی مظلوم واقع شده، به دیگران یادآوری می‌کنی که نباید حقش رو نادیده بگیرن.
انگار که غیر از محبت، درباره‌ش غیرت هم داری.

خدای مهربون توی *قرآن*،
مخصوصاً توی دوره‌ای که زن نادیده گرفته می‌شد،
دونه‌دونه حقوق زن‌ها رو در قالب احکامِ محکم دینی بیان می‌کنه
تا خدای‌نکرده مبادا حقش جایی نادیده گرفته بشه.

خیلی از سوره‌ها، مثل سورهٔ نساء یا سورهٔ نور،[1] پر از این احکامه:
مبادا به دخترها ظلم کنین!
نکنه توی زندگی، با همسرتون عادلانه رفتار نکنین!
نباید زن‌ها رو از لحاظ مالی، توی سختی قرار بدین!
مبادا آرامش همسرتون رو به‌هم بریزین!

این‌بار *قرآن* که خوندی،
احکامِ مربوط به خانم‌ها رو با دید دیگه‌ای بخون.
زبان عاشقانه‌ها، همیشه هم یکسان نیست!

۱. نک: نساء، ۱۲۷.

وقتی به خانمی تهمت زدن چی؟

محبت‌های واقعی، معاملهٔ ساده و ننوشته‌ای دارن:

دوستم داری، دوستت دارم؛



حواست به من هست، هوات رو دارم.

اصلاً نه، واقعی‌تر از این:

بعضی وقت‌ها حواست به من نیست،

گاهی من رو یادت می‌ره،

من که دوست‌داشتنت رو یادم نمی‌ره!

خدای مهربون توی *قرآن*، با کلمه‌ها و آیه‌ها،

به زنان پاک‌دامن می‌گه:

تو حرف من رو گوش دادی؟

حواست به من بود؟

به‌خاطر من، قلبت رو پاک نگه داشتی؟

بعضی وقت‌ها هم شاید دلت غبار گرفت؛

اما من همه‌جا هوات رو دارم.

وای اگه کسی نسبت ناروا به تو بده![1]

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾[2]

(وای به حال کسی‌که به زنان پاک‌دامنِ باایمان تهمت بزنه و نسبت ناروا بده!)

آره، می‌بینی؟

خدا محبتش به زن‌های پاک‌دامن سطحی نیست، شعاری نیست.

ساده است؛ اما واقعیِ واقعی!

۱. نک: نور، ۴.
۲. نور، ۲۳.

وقتی مادر شد و حمایت می‌خواست!

نترس!
از لحظه‌ای که به‌دنیا بیای،
از وقتی پا به‌دنیا بگذاری تا همیشه،
کنارت خواهم بود، دوستت خواهم شد!

می‌گفت:
شاید از روز خلقت،
این نامه‌ای بود که خدا توی دست هر دختری می‌گذاشت و به زمین می‌فرستادش.

آخه به‌دنیا که اومد،
خدا از خلقتش دفاع کرد
و حرف‌های زیبا درباره‌ش گفت.

بزرگ‌تر شد،
پیامبرش فرمود:
«چقدر فرزندان خوبی هستند دختران!»[1]

ازدواج کرد،
خدا توی *قرآن* گفت:
«زنان مایهٔ آرامش‌اند.»

۱. نک: محدث نوری، مستدرک الوسایل و مستنبط المسایل، ج۱۵، ص۱۱۵.

مادر شد،
خدا به بچه‌هاش گفت:
این زن،
نفَس به نفَس،
زندگی‌ش رو وقف شما کرد؛
حتی به اون اُف نگین... .

﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ﴾[1]
﴿فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ﴾[2]

می‌گفت:
نامهٔ توی دست دخترها،
خیلی محرمانه بود،
خیلی عاشقانه!
خدا فقط چند خطش رو با رمز توی *قرآن* آورد.

۱. لقمان، ۱۴.
۲. اسراء، ۲۳.

خب منم نظرهای خودم رو دارم!

وقتی هستی،
وقتی حضورت مهمه،
سلیقه و نظرت هم اهمیت داره.

خدای مهربون به زن‌ها محبت داشت
و توی جامعه، سلیقه و فکر اون‌ها رو مهم می‌دونست؛
برای همین،
توی *قرآن* به همهٔ مردم گفت:
﴿لا إِکْراهَ فِی الدِّینِ﴾[1]
یعنی راه هدایت روشنه، خودتون درست راه رو انتخاب کنین.

اما این بین،
تکلیف خیلی‌ها رو روشن کرد:
تکلیف اون‌هایی که برای زن، کمترین حق انتخابی، قائل نبودن!

خیلی صریح و روشن، توی آیه‌ای اختصاصی،
به پیامبرش گفت:
﴿یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ﴾[2]
یعنی وقتی خانم‌ها برای بیعت‌کردن با تو، نزدت اومدن، با اون‌ها بیعت کن.
این یعنی خانم‌ها نه‌تنها می‌تونن و خوبه توی اجتماع با قلبِ باایمان، فعال باشن؛

۱. بقره، ۲۵۶.
۲. ممتحنه، ۱۲.

بلکه حق انتخاب دارن و باید به نظرشون و تصمیمشون توجه کرد.



آره، خدا یه جور خاص هوای خانم‌ها رو داره!
آره، خدا از کمترین حق ما هم کوتاه نیومده.

کدوم دختر رو
خدا بیشتر دوست
داره؟

می‌خوام حتی قدم‌هام خدایی باشه!

کسی‌که قلبش آسمونیه،
نه‌فقط حرف‌هاش،
بلکه هر کارش رنگ خدایی داره.

خدای مهربون توی قرآن،
برای بنده‌هاش پیام مهمی فرستاد:
﴿وَ لا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا﴾[1]
یعنی روی زمین با غرور راه نرین.

اما برای دخترها پیامی ویژه،
با زبونی خاص و زیبا داشت؛
اونجایی که از دختران حضرت شعیب می‌گفت:
﴿تَمْشِی عَلَی اسْتِحْیاء﴾[2]
یعنی یه دختر خدایی،
حتی راه‌رفتن و قدم‌هاش، عطر آرامش و حیا داره!

۱. نک: اسراء، ۳۷.
۲. نک: قصص، ۲۵.

به چشم‌هام یاد می‌دم پاک بمونن!

گاهی دیدن یه عکس یا یه فیلم ساده که خوب نیست،
مدت‌ها قلب آدم رو طوفانی می‌کنه.
یه عکس می‌تونه،
حس و حال نمازخوندن و دعاکردن رو ازت بگیره
و کیلومترها تو رو از خدا دور کنه؛
برای همین مهمه به چی نگاه می‌کنیم.
مهمه بعضی وقت‌ها،
چشم‌هامون رو ببندیم و بگیم:
«نه! نمی‌خوام این رو ببینم.»

خدای مهربون،
توی *قرآن*، بعد از اینکه به آقایون گفت:
«مراقب نگاه‌هاتون باشین.»[1]
به خانم‌ها هم گفت:
﴿وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ﴾[2]
یعنی شما هم حواستون باشه به هر چیزی نگاه نکنین.
مراقب چشم‌ها و نگاه‌هاتون باشین.

آره، خدا بنده‌های خوبش رو خیلی دوست داره.
براش مهمه قلب پاک و مهربونی که به زن داده،
پاک و خدایی باقی بمونه!

---

۱. نک: نور، ۳۰.
۲. نور، ۳۱.

همیشه با عطر خدایی؛ خاص‌ترم!

با تموم بزرگی‌ش،
با تموم مهربونی‌ش،
دوست داشت باهاش حرف بزنی.
دلش می‌خواست حرف‌هات رو بشنوه، هر روز و هر روز و هر روز؛
برای همین گاهی مستقیم،
گاهی غیرمستقیم،
به تو پیامش رو رسوند:
من همیشه هستم.
هروقت تو بخوای،
هروقت تو دل‌تنگ باشی.

خدای مهربون توی قرآن،
به همهٔ مردم گفت:
«نماز بخونین و با من همیشه حرف بزنین.»
﴿وَ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرِي﴾[1]

اما برای دخترها،
بعضی حرف‌ها رو یه‌کم ویژه‌تر گفت،
با زبونی خاص.
مثلاً اونجایی که با مریمعلیها‌السلام حرف می‌زد:
مریم،
من تو رو برگزیدم؛

۱. طه، ۱۴.

پس سجده‌کردن و رکوع‌کردن رو یادت نره.
﴿یا مَرْیَمُ اقْنُتِی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدِی وَ ارْکَعِی مَعَ الرّاکِعِینَ﴾[1]

آره، فرقی نداره به کدوم مقام و مرتبه برسیم
یا توی چه دوره‌ای از زندگی باشیم.
مهم اینه که همیشه با دلی پاک،
روی لبمون عطر دعا و ذکر جاری بشه؛
چون یه دوست مهربون، عاشقانه منتظر شنیدن صدای ماست،
مخصوصاً شنیدن صدای ما دخترها!

۱. آل‌عمران، ۴۳.

توی سختی‌ها دوستم می‌مونه!

می‌گن سخت‌ترین صبر،
صبرکردن در برابر گناهه.
وقتی که می‌تونی دل به تیرگی بدی؛
اما به‌خاطر خدا، با اون حالِت مقابله می‌کنی.

خدای مهربون خودش خواست دخترها برای داشتن قلبی پاک،
وظایف خاص‌تری داشته باشن؛
پوشیده باشن،
حتی قدم‌هاشون رنگ خدایی‌تر داشته باشه.
خودش می‌دونست بعضی وقت‌ها صبرکردن برای دخترها سخت‌تره؛
پس توی *قرآن* داستان قشنگی رو آورد:
اونجا که مریمعلیها‌السلام وقت به‌دنیا اومدن فرزندش، با غم گفت:
«اما من سمت گناه نرفتم!»[1]
خدا هم به مریم گفت:
﴿أَلَّا تَحْزَنِی﴾[2]
﴿وَ هُزِّی إِلَیْکِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ﴾[3]
معنی دخترونه‌ش می‌شه:
ناراحت نباشی.
تو پاک بودی و پاک موندی توی موقعیت‌های سخت.
حتی اگه همه دشمنت باشن،
خودم، خود من، هوات رو دارم!

۱. نک: مریم، ۲۰.
۲. مریم، ۲۴.
۳. مریم، ۲۵.

حضور هیچ‌کس توی زندگی اتفاقی نیست!

وجود بعضی آدم‌ها توی زندگی ما، نعمته، یه هدیهٔ بزرگه.
دختر هرچی هم که صبور باشه،
هرچی هم که مقاوم باشه،
بازم به هم‌زبون و پشت‌وپناه نیاز داره.

خدای مهربون توی *قرآن*،
وقتی داستان موسی﷣ رو می‌گفت،
از دخترهای شعیب هم گفت:
اینکه باهم کنار چشمهٔ آب اومده بودن
و بین غریبه‌ها هوای همدیگه رو داشتن.

یه خواهر یا بیشتر، فرقی نداره،
مهم اینه که قلب مهربون هر دختری،
باید پر از آرامش باشه.
شاید برای ایجاد همین آرامش بود که مادربزرگ می‌گفت:
«دختر شاخهٔ گله و شاخهٔ گل یکی کمه!»

پیامبرﷺ همیشه به مردم می‌فرمودن:
«خونه‌ای که توش چند تا دختر باشه، راه به بهشت داره.»[1]
این یعنی خدا راه بهشت رو برای دختردارها، بازتر نگه داشته.
اصلاً شاید خونه‌ای که توش دختری هست،
خودش قسمتی از بهشت خداست![1]

۱.نک: میرزا حسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج۱۵، ص۱۱۵.
۲. نک: پیامبر اکرمﷺ فرمودند: «شخصی که دو فرزند دختر دارد، به‌واسطهٔ آن دو دختر، وارد بهشت می‌شود» (محمدبن‌محمدبن‌حیدر شعیری، *جامع الأخبار*، ص۲۸۴).

بعضی رفتارها دخترونه‌ش قشنگ‌تره!

بعضی چیزها انتها نداره.
مثل پاکی و مثل زیبایی.
مثل خدایی‌بودن.

روح پاک و مهربون دخترها،
هرچی هم خدایی بشه،
هرچی هم که زیبا بشه،
بازهم برای زیباترشدن جا داره.

خدا روحیات دخترها رو خوب می‌دونست؛
برای همین برای اون‌ها،
با مهربونی، توی *قرآن*،
دونه‌به‌دونه و نکته‌به‌نکته
از دختران حضرت شعیب می‌گفت.
می‌خواست وقتی که داستان موسی‌علیه‌السلام رو می‌خونیم،
آروم‌آروم رفتارهای قشنگ رو تمرین کنیم؛
مثلاً این رفتار قشنگ رو که اون دو دختر گفتن:
﴿لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ ما سَقَیْتَ لَنا﴾[۱]
(پدر، باید مزد خدمت‌کردن موسی رو بدیم.)
دخترهای شعیب، با تمام حجب‌وحیایی که داشتن،
راه مردم‌داری رو خوب بلد بودن،
راه زیبای قدرشناسی
و راه تشکرکردن از آدم‌هایی که کمکشون کردن.

۱. قصص، ۲۵.

حتی سکوت هم پر از معنیه!

رسیدن به هر هدفی، راهی داره.
گاهی باید با تمام وجود،
از خودمون، از داشته‌هامون،
با حرف‌های محکم و درست دفاع کنیم.

اما گاهی خواسته‌ای که داریم
یا ماجرایی که پیش اومده،
بزرگ‌تر از توان ماست،
اون‌هم برای دختری با روحیات حساسش.
برای همین گاهی توی بحث‌ها و درگیری‌ها،
آروم‌شدن و سپردن کارها به خدا، بهترین راهه.

قرآن می‌گه:
وقتی به حضرت مریم﷤ تهمت زدن،
سکوت کرد.
صبر کرد تا خدا، جواب دشمنان رو بده.
﴿فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾[۱]
آره، گاهی سکوت‌کردن،
بلندترین صدا و رساترین حرف و قشنگ‌ترین رفتارِ دختره.

۱. مریم، ۲۶.

با من، زمین هم می‌تونه بهشت باشه!

بعضی چیزها با تموم سختی‌هایی که دارن،
شیرین و دوست‌داشتنی هستن،
مثل اینکه بخوای توی دنیایی که پر از تیرگی‌هاست،
پاک بمونی و مراقب قلبت و خوبی‌هات باشی!

بعضی چیزها قیمتشون بیشتر از هر سختی و لذت غیرواقعیِ دیگه‌ایه.
خدای مهربون توی *قرآن* دربارهٔ زنان بهشتی می‌گه:
﴿كَأَمْثالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ﴾[1]
(اون‌ها مثل یه مروارید، پوشیده توی صدف هستن.)
یعنی بهشت هم که باشی،
زیبایی تو و زیبایی روحت، اون‌قدر ارزشمنده
که فقط آدم‌های خاصی حق دارن نگاهت کنن.

۱. واقعه، ۲۳.

بعضی صداها رنگی هستن؛ مثلاً به رنگ آسمون!

بعضی حرف‌ها باید گفته بشن،
باید شنیده بشن؛
برای همین مهمه چطور کلمه‌ها رو به زبون بیاریم.

خدای مهربون توی *قرآن*،
برای همهٔ آدم‌ها، پیام ساده‌ای گذاشته:
﴿وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِکَ﴾[1]
(بلند و با فریاد حرف نزنین.)
اما برای خانم‌ها،
پیام ویژه‌ای گذاشته:
اینکه هر چیز قشنگی،
می‌تونه قلب‌های ناپاک رو به هوس بندازه.

صدای تو زیباست.
همین‌طور هم ساده،
حرف‌هات به دل می‌شینه؛
پس ﴿فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾[2]

نظرت رو بگو،
حرف‌های خوب بزن؛
اما پیش نامحرم، مراقب لحن صدات باش.
صدات رو نازک و آهنگین نکن.

۱. لقمان، ۱۹.
۲. احزاب، ۳۲.

یه جورایی منم مدیرم؛ مدیر ارتباطات!



توی یه پازل بزرگ،
هر دونهٔ کوچیک، با همهٔ دونه‌پازل‌های دیگه مرتبطه؛
اما فقط به چند تا پازل نزدیک‌تره، جفت‌وجورتره.

توی زندگی هم،
فاصله و مرز بین آدم‌ها، دوری از هم نیست؛
نظمه برای قشنگ‌ترشدن پازل و تصویر لحظه‌هامون.



خدای مهربون توی *قرآن*،
دونه‌دونه قاعده‌های ارتباط با دیگران رو برامون گفت؛
مخصوصاً برای خانم‌ها که روحیهٔ خاص‌تر و حساس‌تری دارن.

﴿لا جُناحَ عَلَیْهِنَّ فِی آبائِهِنَّ وَ لا أَبْنائِهِنَّ﴾[1]
جلوی دیگران مراقب نگاه و حجابت باش؛
به‌جز جلوی این چند نفر:
پدرت، پسرهات، برادرهات، پسرهای برادرهات، پسرهای خواهرهات و زنان مؤمن.

آدم‌ها پازل‌های زندگی همدیگه هستن.
حواسمون باید به فاصله‌ها باشه.
آخه این‌طوری قلبمون پاک‌تر و آسمونی‌تر
و تصویر لحظه‌هامون، خدایی‌تر می‌مونه.

۱. احزاب، ۵۵.

ماه هم توی تاریکی شب قشنگ‌تره!

خانم‌جان حرف‌های قشنگی می‌زد، می‌گفت:

خدا بنده‌های خوبش رو که آفرید،

محبت خودش رو توی قلب اون‌ها جدا گذاشت تا روی زمین یادش کنن.

دختر رو زیبا می‌آفرید.

توی زمین، نگاه‌ها که به این آفریده‌ش افتاد،

غیرت و محبت خدا وزیدن گرفت:

«نکنه نگاه‌های ناپاک، از من دورش کنه... .»

برای همین توی *قرآن* گفت:

﴿یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلابِیبِهِنَّ﴾[1]

(پیامبر من، به زنان مؤمن بگو که خودشون رو با پارچه‌های بلند بپوشونن.

این‌طور بهتره که به حیا شناخته بشن و در معرض آزار قلب‌های ناپاک قرار نگیرن.)

آره دخترم! خدا دوستت داشت که به تو گفت حجاب داشته باش؛

چون می‌خواست برای خودش باشی.

چون می‌خواست قلبت خدایی و آسمونی باقی بمونه!

---

۱. احزاب، ۵۹: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب‌های [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این بهتر است که [از زنان غیرمسلمان] شناخته بشوند و در معرض آزار قرار نگیرند. [و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده، توبه کنند.] خداوند همواره آمرزندهٔ رحیم است.»

هر دختری می‌خواد زیباترین باشه!

آینه تصویر رو درست نشون می‌ده.
روز خلقت،
آدم‌ها مثل آینه آفریده شدن تا ویژگی‌های قشنگ خدا رو نشون بدن؛
اما خدا دختر رو کمی آینه‌تر آفرید.

وقتی هم زیبا آفریدش،
توی قلبش محبتی خاص به زیبایی‌ها گذاشت،
انگار می‌خواست دختر با همین ویژگی‌ها، به خدا شبیه‌تر بشه و نزدیک‌تر.

اما این وسط خبری از نگاه‌های آلوده بود
و قلب‌هایی که نسبتی با این مخلوق پاک نداشتن؛
برای همین خدای مهربون توی *قرآن* به خانم‌ها گفت:
﴿وَ لا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ﴾[1]
یعنی بندهٔ خوبم، می‌دونم دلت می‌خواد زیباتر از چیزی باشی که هستی.
زینت داشته باش، تمیز باش، به خودت برس؛
اما این زیبایی‌ها رو هم از نامحرم‌ها و هم از نگاه‌های ناپاک بپوشون.

۱ . نور، ۳۱.

چطوری باشم،
خدا ازم راضی‌تره؟

این لباس از همهٔ لباس‌هام خوشگل‌تره!

خونهٔ ما وسط بهشت بود،
توی کوچهٔ گِلی سمت خدا.
قرار شد چند روز دونه‌دونه به یه مهمونی روی زمین بریم و برگردیم.

مسیر سفر، دور بود و هوای زمین، کمی سرد؛
برای همین خدای مهربون به همهٔ آدم‌ها گفت:
«از اینجا با توشهٔ محبت به زمین می‌فرستمتون.
برای برگشت، با کارهای خوب، برای خودتون توشه بسازین.»[1]

دخترها موقع مهمونی‌ها،
دنبال لباس خوب و قشنگن؛
حتی اون وقت که از بهشت می‌خواستن به مهمونی زمین بیان؛
پس شاید خدا این آیه رو برای همه،
اما اختصاصی‌تر، برای ما دخترها فرستاد:
﴿وَ لِباسُ التَّقْوىٰ ذٰلِکَ خَیْرٌ﴾[2]

آره، این لباسِ خدایی،
برای همه قشنگه؛
اما لباس ما تاروپودش از محبته، از پاکیه، از نجابته.
این لباس، دخترونه‌ش قشنگ‌تره.

۱. نک: کهف، ۱۱۰؛ اعراف، ۲۶.
۲. اعراف، ۲۶.

پایهٔ هر مهمونی نیستم!

از بهشت هنوز بیرون نیومده بودیم
که صدای پچ‌پچ فرشته‌ها بلند شد.
خبری بود انگار.
خدا به آدم، همهٔ اسم‌های خودش رو یاد داده بود
و حالا صدای اعتراضِ یکی بالا رفته بود.
اون روز همه منتظر بودن تا بفهمن ماجرا چی بود و چی شد.
خبر اومد:
«وقتی به مهمونی زمینی رفتین، خبرها رو می‌فهمین.»

خدای مهربون توی *قرآن*
ماجرا رو کامل آورده.
اینکه شیطون به آدم سجده نکرد و گفت:
﴿فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾[۱]
(خدایا، به تو سوگند که همهٔ آدم‌ها رو فریب می‌دم.)

حتی این حرفش رو که:
اگه روزی آدم‌ها بگن:
«شیطون ما رو فریب داد.»
به اون‌ها می‌گم:
﴿فَلَا تَلُومُونِي﴾[۲]
من رو ملامت نکنین.
من فقط دعوتتون کردم به تیرگی.
خودتون بودین که دعوت رو پذیرفتین!

۱. ص، ۸۲.
۲. ابراهیم، ۲۲.

خودتون خواستین قلبتون تیره بشه.

دخترها مراقب لباس‌هاشون هستن که چروک نباشه، پاره نشه.
اگه دیدی داری برای انجام‌دادن گناهی وسوسه می‌شی،
به لباس مهمونی زمینی‌ت نگاه کن: لباس تقوا.
اگه گردوخاک گرفته بود،
فوراً از این سپیدکنندهٔ قلب استفاده کن:
«أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ خُطُواتِ الشَّيْطانِ.»
خدایا،
از گام‌های شیطون به تو پناه می‌برم.
از اینکه دلم تیره شه و رنگ محبت تو رو نداشته باشه.

با احساسم؛ این ویژگیِ خاص منه!

آدمی که قلب مهربونی داره،
همون آدمیه که می‌شه با دلی آروم، کنارش نشست،
از شادی‌ها و از بی‌قراری‌ها و حتی از گلایه‌ها گفت.

آدمی که قلب مهربون داره،
خیرخواه همه است.
برای همه آرزوهای قشنگ داره.
طعم زندگی رو برای همه شیرین می‌کنه.

خدای مهربون توی *قرآن* به پیامبر گفت:
﴿وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾[1]
پیامبرم، چقدر خوبه که مهربونی.
آخه اگه اخلاق تندی داشتی، همه از دوروبَرت، دور می‌شدن.

شاید برای همین بود که
پیامبرﷺ همیشه از دخترها طور دیگه‌ای تعریف می‌کردن
و به اون‌ها می‌گفتن: «مُلْطِفاتٌ»[2] (مهربون‌ها).

آخه دختر هرجا که باشه،
توی هر وضعیتی هم که قرار بگیره،
نمی‌تونه مهربون نباشه.
حواسش به خستگی‌های باباش
و بی‌تابی‌های مامانش و حال و روز اطرافیانش هست.

۱. آل‌عمران، ۱۵۹. «و اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدن.»
۲. نک: میرزا حسین نوری طبرسی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج۱۵، ص۱۱۵.

آره، باباها راست می‌گن که:
«دختر نعمت زندگیه!»

پیامبر اکرم ﷺ فرمودن:
«نِعْمَ اَلْوَلَدُ اَلْبَناتُ مُلْطِفاتٌ مُجَهِّزاتٌ مُونِساتٌ مُبارَكاتٌ مُفَلِّياتٌ»[1]
(دختران چه فرزندان خوبی هستن!
انسان‌های لطیفی که آمادۀ انجام امور پدر و مادر خود بوده.
انس‌گیرنده و بابرکت و نوازش‌دهنده هستن.)

۱. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک *الوسائل و مستنبط المسائل*، ج۱۵، ص۱۱۵.

خب منم بعضی وقت‌ها عصبانی می‌شم!

کلمه‌ها رابطهٔ آدم‌ها باهم رو می‌سازن.
یه کلمه، یه جملهٔ کوتاه،گاهی باعث دوستی طولانی و بادوامی می‌شه
و گاهی هم دوستی خوب رو تموم می‌کنه؛
برای همین مهمه که چی بگیم و چطور حرف بزنیم.
اون‌قدر مهمه که خدای مهربون هم،
بارها و بارها توی *قرآن* دربارە‌ش به ما گفت؛
مثلاً اینکه: ﴿فَقُولا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا﴾[1]
(سخن نرم و ملایم بگین.)

اما توی یکی از آیه‌ها،
حرف خاص‌تری گفت:
﴿وَ قُلْ لِعِبادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾[2]
پیامبرم! به بنده‌هام بگو در هر وضعیتی که هستن،
حرف‌های خوب بگن.مبادا شیطون با حرف‌های ناخوبشون،
دوستی‌هاشون رو خراب کنه.

یه کم جلوتر بیا، می‌خوام حرف درگوشی بگم:
عصبانیت آقایون طور دیگه‌ایه؛
اما خانم‌ها وقتی عصبانی می‌شن، حرف‌هاشون تندتر می‌شه.
برای همین شاید مخاطبِ خاص این آیه من و تو بودیم،
برای وقت‌هایی که چیزی حسابی حالمون رو طوفانی کرده.

آره، مخاطب خاص برای یه آیهٔ قشنگ با لحنی مهربون.
ما دخترها خوبه حواسمون بیشتر به حرف‌هامون باشه.

۱. طه، ۴۴.
۲. اسراء، ۵۳.

گاهی دلم برای خریدکردن تنگ می‌شه!

دلت روسری قشنگ می‌خواد؟!



چادر، مانتوی خوب، لباس دخترونهٔ خوش‌رنگ؟!
اما گاهی
یه نگاه به آرزوهات می‌کنی،
یه نگاه به کیف پولت.
نه، آرزوی قشنگم، فعلاً برآورده‌شدنی نیستی!



توی دین ما،
سفارش شده کار مناسب پیدا کنیم و پول حلال به‌دست بیاریم؛
اما خدای مهربون، توی قرآن
به بنده‌هاش، خصوصاً اون‌هایی که مثل ما دخترها عاشق خریدکردن و زندگیِ قشنگ‌ترن،
راه ساده‌ای رو نشون داده:
﴿إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ الْمُصَّدِّقاتِ وَ أَقْرَضُوا اللهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾[1]
وقتی آرزوت با پول توجیبی‌ت قهر بود،
صدقهٔ کوچیکی بده یا کار خوبی انجام بده.
شاید خیلی زود آشتی کردن.

ما دخترها آرزوهای رنگی‌رنگی زیادی داریم.
شاید من و تو هم، مخاطب خاص این آیه باشیم.

۱. حدید، ۱۸

اُف یعنی چی؟

قلب و عقل خیلی هم از هم جدا نیستن.
اصلاً بعضی جاها عین هم هستن؛
مثلاً بعضی وقت‌ها،
همین که کسی محبت واقعی‌ش توی قلبمون می‌شینه،
اول قلبمون با خودش فکر می‌کنه:
«خب، چه‌کار کنیم اون هم ما رو دوست داشته باشه؟»
بعد: «چه‌کار کنیم اون ما رو بیشتر از این دوست داشته باشه؟»
بعدترش: «چه‌کار کنیم اون ما رو خیلی دوست داشته باشه؟»
بعدتر: ... .

آره، بعضی محبت‌های واقعی، مرحله‌به‌مرحله‌اند.
شرط‌وشروط دارن.
باید نشونه داشته باشن؛
برای همین، خدای مهربون توی قرآن،
به اون‌هایی که دوستش دارن،
نشونه و راه و شرط و شروطِ این عشق قشنگ رو یاد داد.

مثلاً گفته:
بندۀ خوب خودم،
اگه من رو دوست داری،
هم حرف‌هام رو گوش کن،
هم هوای مامان و بابات رو داشته باش.[1]

۱. لقمان، ۱۴.

اون‌قدر که حتی
﴿فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ﴾[1]
یه موقع به مادر و پدرت
اف، یعنی کمترین حرف ناخوبی، نگی.

آره، می‌بینی محبت به مامان و بابا شرط دوستی خداست؛
همون کاری که ما دخترها خوب بلدیم.
بله، تعریف از خود نباشه (باشه)،
ما دخترها به‌طور خاصی عاشق خداییم!

۱. اسراء، ۲۳.

ازدواجِ خوب دغدغهٔ هر دختریه!

آروم‌آروم که بزرگ می‌شیم،
آرزوهامون و علاقه و دل‌بستگی‌هامون تغییر می‌کنن، قَد می‌کشن.
اون‌قدر که مثلاً وقتی به دورهٔ ازدواج نزدیک می‌شیم،
هر بار معیارهامون رنگی خاص می‌گیرن.
مرحلهٔ خاصی که ذهن دخترها رو دائم درگیر خودش می‌کنه.

خدای مهربون این دغدغه رو خوب می‌شناخت؛
برای همین توی آیه‌های *قرآن* یا مثلاً از زبون پیامبر،
رازهای ازدواج خوب رو یادمون داد؛
مثلاً توی یکی از سوره‌ها،
وقتی از ازدواج‌کردن گفت و معیّن‌شدن همسر برای آفریده‌ها،
فرمود: ﴿لَهُ مَقالِيدُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ﴾[1]
(گنج‌های آسمون و زمین دست منه و به هرکی بخوام، می‌دمش.)

انگار مخاطب خاص این آیه، دخترها بودن؛
برای اینکه معیارهای واقعی‌تری داشته باشن،
اونم وقتی که فقط خدا روزی‌دهنده است
و فقط باید امید رزق‌وروزی از خودش داشت.

یه جایی هم، امام‌رضا(ع) به پدری دربارهٔ خواستگار دخترش فرمودن:
اگه مردی به خواستگاری اومد که دین و اخلاقش رو پسندیدی،
به‌خاطر دارایی کمش، مانع ازدواج نشو.
یعنی برای ازدواج، معیار رو پول قرار نده.[2]

---

۱. شوری، ۱۲.
۲. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج۱۰۰، ص۳۷۲.

می‌ترسم از این راه دور بشم!

بعضی چیزها با تموم سادگی‌شون،
قشنگ‌ترین حس‌ها رو به تو هدیه می‌دن؛
مثلاً یه چادر سفید با گل‌های رنگارنگ
و جانماز ترمه‌ای قشنگ با مهر و تسبیحی خوش‌رنگ رو تصور کن.
می‌بینی؟
دو رکعت نمازخوندن با این‌ها، چقدر حالِت رو خوب می‌کنه.

خدای مهربون می‌دونست گاهی وقت‌ها،
تحمل‌کردن بعضی وضعیت‌ها و پاک‌موندن توی اون‌ها خیلی سخته،
مخصوصاً برای یه دختر توی دنیای پرزرق‌وبرق؛
برای همین توی *قرآن* پیامی زیبا فرستاد:
﴿إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ﴾[1]
یعنی بندهٔ خوبم،
اگه دیدی داری به گناه نزدیک می‌شی،
با خوندن نماز، خودت رو به من برسون.

یادم باشه اگه دلم هوای گناه کرد،
اگه موندن توی فضای گناه سخت بود،
چند روزی با چادرنمازم، بیشتر طرح دوستی بریزم.

۱. عنکبوت، ۴۵.

گاهی یه نفر باید ازت دفاع کنه!

همیشه که نمی‌شه تنهایی با سختی‌ها مقابله کنی.
آدم یه وقت‌هایی حرف‌هاش، حتی کارها و تلاشش،
کفاف سختی‌ها و بدعهدی‌ها رو نمی‌ده.

هر دختری با قلبی پر از عاطفه
و اون‌همه احساسات رنگ‌وارنگ،
دنبال تکیه‌گاه محکمی می‌گرده.
گاهی نیاز داره سکوت کنه
و کسی با محبتی پاک، محکم از حقش دفاع کنه؛

برای همین شاید این حرف خدای مهربون پیامی ویژه برای دخترها بود:
﴿إِنَّ اللّٰهَ يُدافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾[1]
یعنی نگران هیچ‌چیز نباش.
تو ایمانت رو حفظ کن،
تو فقط به من توکل کن،
خودم همه‌جا هوات رو دارم.
خودم هرجا که باشی،
توی هر وضعیت سختی که باشی، کنارتم.
ازت دفاع می‌کنم.

۱. حج، ۳۸.

آدم‌های خوب اهل این معامله هستن

بعضی آرزوها انگار شدنی نیستن.
هِی تلاش می‌کنی، هِی نمی‌شه.
هی می‌دوی، هی نمی‌رسی؛
اما همیشه راهی ساده برای رسیدن هست.

خدای مهربون توی *قرآن*،
دربارهٔ زکریا و همسرش که به آرزوهای نشدنی و بزرگشون رسیدن، گفت:
﴿فَاسْتَجَبْنا لَهُ... إِنَّهُمْ کانُوا یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ﴾[1]
یعنی اون‌ها باشتاب به‌طرف کارهای خوب می‌رفتن
و همون شتاب، اون‌ها رو به آرزوشون رسوند.

پیامبر دخترها رو «مجهزات»
یعنی «آمادهٔ کمک‌کردن به خانواده» می‌نامیدن.

خدا به نیت آدم‌ها نگاه می‌کنه.
بعضی وقت‌ها اگه توی کارهات گره افتاد
و آرزوهات خیلی دور بودن ازت،
کار خوبی رو شروع کن؛
مثلاً هوای مامان رو توی کارهای خونه بیشتر داشته باش.

۱. انبیاء، ۹۰.

یه نفر باید حرف‌هام رو بشنوه!

وقتی شاد باشی،
حوصله‌ات که سررفته باشه،
اتفاق خوب که برات افتاده باشه،
لحظه‌هات که سخت شده باشن،
اصلاً بذار واقعیت رو بگم:
ما دخترها همیشه و همه‌جا
یه همدل و گوش شنوا می‌خوایم؛
یکی که با مهربونی و شوق،
حرف‌هامون رو بشنوه و این‌طوری حالمون رو بفهمه.
اما خب همیشه که کسی نیست!
نه، نه. بذار درست‌تر بگم،
همیشه یکی هست:
یه آشنا، یه همراه، یه دوست قدیمی.

خدای مهربون خودش توی قرآن گفت:
﴿الَّذِی یَراکَ حِینَ تَقُوم﴾[۱]
﴿وَ تَقَلُّبَکَ فِی السّاجِدِینَ﴾[۲]
یعنی بندهٔ خوبم! من حرف‌هات رو می‌شنوم
و سجده‌هات رو با محبت بیشتری نگاه می‌کنم.
همیشه کنارتم!
هروقت خواستی، مخصوصاً توی نماز و سجده،
حرف‌های قشنگت رو به خودم بگو.

---

۱. شعراء، ۲۱۸: «همون کسی‌که تو را هنگامی که [برای عبادت] برمی‌خیزی، می‌بیند.»
۲. شعراء، ۲۱۹: «و نیز حرکت تو را بین سجده‌کنندگان!»

تحمل بعضی چیزها ساده نیست؛ اما...

وقتی با حرفی ساده یا نیشخند یا کنایه،
قلبمون می‌لرزه و حتی اشکمون جاری می‌شه؛
وقتی توی لحظه‌های بحرانی،
حس می‌کنیم جلوی دیگران و در برابر سختی‌ها داریم کم می‌یاریم،
باید فکری برای روحیهٔ خودمون بکنیم.

شاید باید اعتمادبه‌نفسمون رو افزایش بدیم.
اما قلب‌های پاک، اعتمادبه‌نفسشون سبک دیگه‌ایه.
اون‌ها چون به خدا اعتماد دارن،
قدم‌هاشون محکمه.

خدای مهربون توی *قرآن* دربارهٔ مؤمن‌های واقعی گفت:
﴿إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنا اللهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا﴾[1]
(کسانی‌که گفتن: «الله پروردگارمونه» و ایستادگی کردن.)

آره، شکنندگی که خوب نیست،
بهتر اینه که ما دخترها،
احساسات قشنگمون رو با همین اعتمادبه‌نفس خدایی، گره بزنیم.
ما باید قوی باشیم.

۱. فصلت، ۳۰.

شاید هم اسمش «غرورِ خوبه»!

وقتی هدف بزرگی داری،
شاید موانع زیادی روبه‌روت ببینی؛
اما محکم قدم برمی‌داری و از اینکه چند تا خار سرِ راهت باشه،
ناراحت و بی‌تاب نمی‌شی.

باخدابودن و باخداموندن هم،
با همهٔ لذت‌ها و شیرینی‌هاش، خیلی وقت‌ها ساده نیست.

ساده نیست مثلاً توی جمعی که سرگرم رنگ‌های دنیا هستن،
تو حواست به شیشهٔ قلبت باشه که رنگ آسمونی‌ش گردوغبار نگیره؛
پس عجیب نیست اگه توی همین مراقبت‌های قشنگ،
کنایه‌ای بشنویم یا حتی کسی مانعی برای هدفمون بشه.

خدای مهربون توی *قرآن* به دوستانش گفت:
﴿وَ لا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لا يُوقِنُونَ﴾[1]
یعنی بندهٔ خوبم صبور باش!
مبادا اون‌هایی که ایمان نیاوردن، تو رو سست کنن!
اگه حجاب داشتی و کنایه شنیدی،
اگه سمت گناه نرفتی و حتی تو رو مسخره کردن،
نگران نباش، سست نشو.
این یعنی داری درست حرکت می‌کنی.
این یعنی قلب عاشقت، هنوز پاکه؛
پس خدا خودش هوات رو داره!

۲. فصلت، ۳۰.

بعضی حرف‌ها برای نشنیدنه

اونی که راهیِ سفری طولانی و کمی سخت شده،
با شنیدن خبر از جایی که به اون تعلق داره و بهش برمی‌گرده،
هم آروم می‌شه و هم پر از شوق.

شاید برای همین بود که خدای مهربون توی *قرآن*،
آروم‌آروم و با کلمه‌های ساده و قشنگ،
برای قلب‌های پاک، از زیبایی‌های بهشت گفت.

گفت تا اگه روی زمین، دلمون بی‌قرار شد،
شبیهِ ساکنان اونجا بشیم؛ بلکه عطر بهشت رو حس کنیم؛
مثلاً بعد از گفتن دربارهٔ نوشیدنی‌های اونجا و فرشته‌هاش،
فرمود: ﴿لا یَسْمَعُونَ فِیها لَغْوًا﴾[1]
(اون‌هایی که توی بهشت نفس می‌کشن، حرف‌های بیهوده نمی‌شنون.)

این رو هم گفت:
﴿وَ لا یَغْتَبْ بَعْضُکُمْ بَعْضًا﴾[2]
(غیبت همدیگه رو نکنین.)
غیبت غذای از بهشت دورمونده‌هاست!

برای ما دخترها، حرف‌زدن و درددل‌کردن،
راه ساده و خوبیه برای آروم‌شدن،
برای کم‌شدن بار غمی که توی قلبمون نشسته؛
اما خوبه اگه دلمون هواییِ بهشت و لبخند خداست،
مراقب حرف‌هایی که می‌شنویم و می‌زنیم، باشیم.

۱. واقعه، ۲۵.
۲. حجرات، ۱۲.

خب هر دختری به شادی نیاز داره!

گاهی وقت‌ها مرزها ناخواسته جابه‌جا می‌شن؛
مثلاً خودمون رو از چیزی که نیازه، محدودتر می‌کنیم
یا اینکه از مرز جلوتر می‌ریم.

خدای مهربون وقتی آدم‌ها راهی سفرِ زمین شدن،
نقشهٔ راه هم فرستاد.
توش مرزها رو مشخص کرد تا طبق اون، حرکت کنن.
طبق اون، پاک و آسمونی برگردن؛
مثلاً این مرز که:
مراقب باش سمت فلان مسیر نری.
اگه اشتباه رفتی،
با اولین دوربرگردون، یعنی توبه، سمت من بیا!

بعد این رو گفت:
﴿وَ لا تَنْسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیا﴾[1]
بندهٔ خوبم، از من بخواه همیشه توی مسیر خوبی‌ها باشی؛
اما توی تفریحگاه‌ها هم توقف کن.
مبادا نصیب خودت از دنیا رو فراموش کنی!

اینکه حواست باشه قدم‌هات توی مسیری خدایی باشه،
با تفریح سالم منافاتی نداره:
می‌شه باحجاب بود و کوه رفت.

---

۱. قصص، ۷۷.

می‌شه گناه نکرد؛ اما شاد بود.
می‌شه پاک موند و به‌روز بود.

آره، دختر پاک، دختر باحیا و باخدا،
خسته نیست، غمگین نیست، خاکی و نامرتب نیست!
یه دختر خدایی، قشنگ‌ترین و پاک‌ترین لحظه‌ها رو داره.

مثل کی بشم
خدا دوست داره؟

من کوهم، پشت رنگین‌کمون

«آخه وضعیتمون سخت بود.»
«اگه مثل اون‌ها رفتار نمی‌کردم، اذیتم می‌کردن.»
«اون‌ها خانوادۀ باکلاس و خاصی هستن. این چیزها رو اصلاً قبول ندارن!»

بعضی حرف‌ها بااینکه کلمه‌هاشون باهم فرق دارن؛
اما همه‌شون یه معنی می‌دن:
«توی موقعیت‌های خاص، باخدابودن شدنی نیست!»

جواب دادن به این تصور،
نیاز به حرف‌های عمیق‌تر و ویژه‌تری داشت؛
برای همین خدای مهربون توی *قرآن*،
از بانویی گفت که دوروبَرش پر بود از نعمت‌های رنگارنگ
و همسری داشت که همۀ مردم اون روزها،
از قدرتش می‌ترسیدن و فرمان‌بُردارش بودن.

آسیه وضعیت خیلی خاصی داشت؛
اما با تمام قلب، ایمانش رو حفظ کرد
و وقتی به‌خاطر همین ایمان، زندانی شد،
بین بی‌تابی‌هاش زمزمه کرد:
﴿رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّةِ﴾
خدای من، این قصر برای قلب آسمونی من مثل قفس بود؛

۱. تحریم، ۱۱.

برای من، خونه‌ای پیش خودت بساز!

آره، خدا با این داستان،
از استقلال فکری خانم‌ها گفت.
از این قدرت خاص که حتی اگه همسر فرعون باشن،
می‌تونن با رنگ‌های دنیایی، وسوسه نشن و باایمان بمونن.

فرقی نداره توی چه موقعیتی هستیم،
مهم اینه که می‌شه توی این مسیر، محکم باشیم.
مهم اینه پای محبتمون به خدا بمونیم.

این خودش یه هدیهٔ خداییه

گاهی علاقهٔ خاصی،
باعث می‌شه قدم‌هات آهسته بشن و آروم‌آروم از هدفت جا بمونی؛
برای همین بعضی‌ها احساساتی‌بودن رو ضعف دخترها می‌دونن؛
اما خدای مهربون حتی به این ویژگی ما نگاه قشنگ‌تری داشت؛
مثلاً توی سورهٔ قصص،
از خانم‌هایی گفت که با احساسات ساده و پاکشون،
باعث رشد و موفقیت یه پیامبر بزرگ شدن.

اونجایی که به مادر موسی که نگران فرزندش بود، گفت:
﴿وَ لا تَخافِی وَ لا تَحْزَنِی﴾[1]
(نترس و ناراحت نباش. اون رو به تو برمی‌گردونم.)
بعد موسی رو با کمک مادر و خواهرش و همسر فرعون،
از وضعیتی که بود، نجات داد.

این یعنی محبت‌ها و علاقه‌هات،
مخصوصاً اگه رنگ خدایی بگیره،
زندگی رو قشنگ‌تر و قدم‌هات رو بلندتر می‌کنه.

آره، داشتن احساسات خانمانه برای دخترها ضعف نیست!
یه هدیهٔ خداییه، یه استعداده.
این قدرتِ خاص و ویژه‌ایه.

۱. قصص، ۷.

کافیه قلبت پاک و روشن باشه!

هر موقعیت خوبی اگه ازش درست استفاده بشه،
می‌تونه فرصت واقعی برای هدف‌ها باشه
و اگه درست استفاده نشه،
مانعی توی مسیر حرکتمون می‌شه.

زیبایی، ما رو می‌تونه به خدا نزدیک کنه و می‌تونه دور کنه،
مثل سلامتی و قدرت و ثروت.

خدای مهربون توی *قرآن*،
از خانم‌هایی گفت که ثروت و قدرت زیادی داشتن
و این وضعیت خاص، اون‌ها رو مدتی از خدا دور نگه داشت
و بعد به‌سمت روشنایی و نور آورد، مثلاً بلقیس:
﴿إِنِّی وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِکُهُمْ وَ أُوتِیَتْ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ﴾[1]
(زنی که مردان زیادی رو فرمان‌روایی می‌کرد و ثروتی بی‌اندازه داشت.)

یا زلیخا که ثروت زیادی داشت و آروم‌آروم محبت خدا قلبش رو پر کرد.

البته زنی مثل خدیجهاعلیها السلام هم بود
که ثروتش اون رو لحظه‌ای از مسیر خدا دور نکرد.

آره، روحیهٔ حساس و لطیف خانم‌ها
شبیه دختربچه‌ای معصوم و پاکه.

۱. نمل، ۲۳.

دستش رو که بگیری،
با دوست‌هاش، با عروسک‌هاش،
تا هرجا که بگی، تا هرجا که بخوای، می‌یاد.

راه رو باید به احساسمون درست نشون بدیم
تا با بقیهٔ داشته‌هامون،
مثلاً با هنرمون یا همین درآمدهای کوچیک،
سمت نور بیاد و دین خدا رو بهتر یاری کنه.

مثل بعضی‌ها نشدن، خودش یه هنره

دل‌شوره همیشه هم بد نیست.
اصلاً بعضی وقت‌ها اگه نباشه، کارها به‌هم می‌ریزه،
مثلاً دل‌شورهٔ مادری برای گم‌شدن فرزندش
یا دل‌شورهٔ دانش‌آموز برای امتحانی که داره.

خدای مهربون توی *قرآن* خیلی کوتاه و مختصر،
در حد هشدار،
از خانم‌هایی گفت که دل‌شوره نداشتن.
اون‌هایی که دلشون نلرزید از اینکه از راه خدا دور بمونن.
از همسر ابولهب و از همسر دو پیامبر بزرگ:
﴿ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذِینَ کَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ﴾[1]
یعنی خدا برای کسایی‌که اهل ایمان نبودن،
از همسر لوط و همسر نوح مثال زد.
همون زن‌هایی که حتی بودن در کنار پیامبر، به‌عنوان همسر،
مانع از دورشدنشون از خدا نشد.

آره، اینکه مثلاً حجاب داریم و *قرآن* می‌خونیم و با فلان آدم خوب مرتبطیم،
نباید مغرورمون کنه.

شیطون قدم‌قدم ما رو از راه خدا دور می‌کنه؛
برای همین خوبه که شبیه مادری که برای بچه‌ش نگرانه،
ما هم همیشه نگران ایمانمون باشیم.

۱. تحریم، ۱۰.

ارزش خوبی‌هام رو فقط خودت می‌دونی!

بعضی کارها آسونن؛
اما خیلی‌ها باافتخار، رفتنِ سمتش رو به رخ می‌کشن
و اون رو کار خاصی نشون می‌دن.

آسونه هم‌رنگ‌شدن با آدم‌هایی که خدا رو یادشون رفته.
سخت نیست گناه‌کردن،
سخت نیست هم‌رنگ تیرگی‌ها شدن.

سخت، صبرکردن دربرابرِ بعضی گناه‌هاست.
سخت، پاک‌موندن توی دنیای پر از هَوسه.
این سختی، شیرینه؛
چون بعد این سختی کوتاه، روشناییِ ابدیه،
نَفَس‌کشیدن توی هوای بهشته.

خدای مهربون توی قرآن،
بارها و بارها نام حضرت مریم؈ رو آورد و گفت:
﴿یا مَرْیَمُ إِنَّ اللّهَ اصْطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ﴾[1]
(ای مریم، خدا تو رو برای مقام برتر انتخاب کرد و پاک ساخت.)

اما توی آیه‌های مختلف،
مثلاً آیهٔ ۲۲ سورهٔ تحریم،

۱. آل‌عمران، ۴۲.

دلیل این مقام آسمونی و این‌همه تقدیر از مریم(علیها السلام) رو یادآوری کرد:

مریم دختری بود که خودش رو از گناه و آلودگی پاک نگه داشت؛

پس من هم از روح خودم، به جسمش دمیدم

و به اون مقام بزرگ آسمونی دادم!

آره، گناه‌کردن ساده است؛

پاک‌موندن هنر بزرگ دخترهای خداییه!

بانوی برتر هم داریم؟

...ی شبیه‌شما بشم!

...شته بود «کوثر».
...خوبی زیاد.
... دختر رو بهانهٔ خلقت معرفی کرد،
...شان‌ها و زمین و حتی دانه‌دانهٔ آدم‌ها،
...ن‌که دلیل این انتخاب رو پرسید،
...ستر فکر کنه.

...ریایی زیبا و پاک!
...ن نبود.
...ی رسیدن به اون رو نداشته باشه.

...وج نگاهش،
... بی‌انتهایی‌ش رو،
...ش رو خوبِ خوب ببینی.

...تَرَ﴾[1]
... خیر زیاد رو [فاطمه] هدیه دادیم.)

...و: وقتی شبیه فاطمه باشیم،
...ایی و پاک باشه،
... آرامش آدم‌ها بتپه،

وقتی هوای لبخند پدر و مادر و همسر رو بیشتر داشته باشیم...

اصلاً بیا ازاین‌به‌بعد گاهی توی نمازهامون، سورهٔ کوثر بخونیم...
بیا مثل خدا، خودمون هم،
به دختربودنمون،
به از جنس کوثر بودنمون،
بیشتر افتخار کنیم.
اصلاً بیا ازاین‌به‌بعد، فاطمه‌تر باشیم!

﴿بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ
إِنّا أَعْطَيْناکَ الْكَوْثَرَ
فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ
إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾

کتابنامه

۱. *قرآن کریم*.

۲. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*.

۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج۱۰۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۴. نوری (محدث نوری)، میرزاحسـین، *مسـتدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج۱۵، قم: مؤسسهٔ آل‌البیت لاحیا التراث، بی‌تا.

۵. محمدبن‌محمدبن‌حیدر شعیری، *جامع الأخبار*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

مسابقهٔ فرهنگی آیه‌های دخترونه

پرسش‌ها از متن موجود طرح شـده است و افراد بیشـتر از دوازده سال می‌توانند به روش‌های زیر در مسابقه شرکت کنند:

۱. ارسال پاسخ به سامانهٔ پیامکی: کافی است به‌ترتیب نام مسابقه و شمارهٔ گزینه‌های صحیح پرسش‌ها را به‌صورت یک عدد چهاررقمی، از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانهٔ پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ بفرستید.

مثال: *آیه‌های دخترونه* ۲۱۴۴ محمد رضوی

۲. مراجعه به بخش مسابقات سایت آستان قدس، به‌نشانی: haram.razavi.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامهٔ تکمیل‌شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵ بفرستید.

آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به‌صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجهٔ آن نیز از طریق سامانهٔ پیامکی گفته‌شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

لطفاً پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه بفرستید.

تلفن: ۳۲۰۰۲۵۶۹ - ۰۵۱

۱ در کدام آیهٔ شریفه ملاک برتری انسان‌ها بیان شده است؟

۱. مریم، ۳۶

۲. حجرات، ۱۳

۳. نور، ۲۶

۴. شوری، ۴۹

۲ «به هرکس اراده کند، دختر می‌بخشد و به هرکس بخواهد، پسر.»

مفهوم کدام آیه است؟

۱. حجرات، ۱۳

۲. نور، ۲۶

۳. شوری، ۴۹

۴. مریم، ۳۶

۳ خداوند متعال در آیهٔ ۳۷ سورهٔ اسراء به بندگانش چه پیامی داده است؟

۱. نماز به پا دارید

۲. با غرور راه نروید

۳. از فقرا دستگیری کنید

۴. زیبا سخن بگویید

۴ آیهٔ ۳۲ سورهٔ مبارکهٔ احزاب، زنان را از چه کاری برحذر می‌دارد؟

۱. پوشیدن لباس‌های نامناسب

۲. با ناز و عشوه سخن‌گفتن با نامحرم

۳. نگاه به نامحرم

۴. حضور در میدان جنگ



آیه‌های دخترونه

عاشقانه‌های خدا برای من

نویسنده: نعیمه آقانوری









archive.razavi.ir



کتاب پیش رو، فرصتی فراهم خواهد کرد تا همه، به‌خصوص دختران، نگاهی عمیق‌تر و متفاوت‌تر به قسمتی از حرف‌های خالق مهربان خود داشته باشند.

آیه‌های دخترونه هدیه‌ای *قرآنی* است از حرم امام‌رضا علیه‌السلام به بانوان مسلمان؛ آن‌ها که دوست دارند *قرآن* را نه‌تنها با زبان که با قلب بخوانند و حرف‌های عاشقانهٔ خدا را با قلب بشنوند.